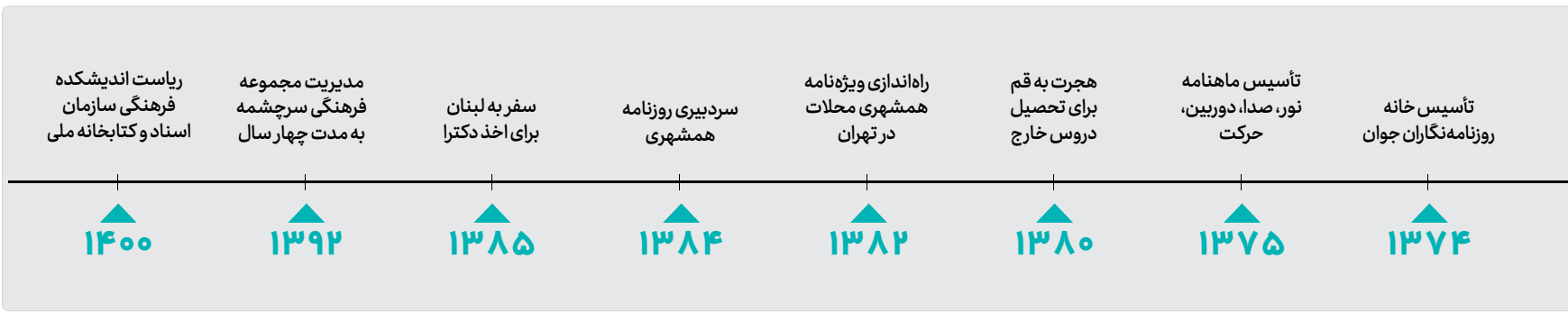


دیم که متوجه گذر زمان نبودیم

شار نیست!

پرورش بدهیم

کتابم قابل انتشار نیست

الان در کتاب‌هایم کاری انجام می‌دهم که مهم است. من برای این کتاب‌ها که مجموعه یادداشت است، مثل کتاب تقاطع انقلاب یا مسافر سنت در هزاره سوم، مقدمه‌های مفصلی می‌نویسم. خود یادداشت‌ها هم بازنویسی می‌شود. البته کتاب‌هایی هم نوشته‌ام که به دلیل حساسیت‌هایی که وجود دارد، فعلا قابل انتشار نیست.

فرم ادبی در عین واقعیت

در کتاب «مسافر سنت در هزاره سوم» سعی کردم به نثری برسم که در عین واقعی بودن، فرم ادبی داشته باشد. «روایت» چیزی است بین خیال داستانی و گزارش اداری. این کتاب متنی است که در عین پایبندی به اتفاقات روزانه، خواندنی و شیرین است. این روایت‌ها ابتدا در روزنامه شهرآرا منتشر شد و بعد با تغییرات اندکی به کتاب تبدیل شد.

تمایلم به کتاب، بیشتر بود

به‌طور طبیعی اگر یکی از مسیرهای کتاب یا رسانه را به تنهایی انتخاب می‌کردم، موفق‌تر بودم. تمایل من به شاخه کتاب، بیشتر بود. البته چون به حوزه رسانه علاقه داشتم و اقتضائات کاری هم به آن اضافه شد، بیشتر در رسانه کار کردم. در اوج گرفتاری‌های رسانه‌ای وقتی ایده دانشنامه مذهبی نوجوانان مطرح شد، تمام ساختاربندی و دعوت مؤلفان و تدوین مدخل‌ها را من انجام دادم. این کار را کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر کرد. گاهی هم ویراستاری و کارهای پراکنده انجام می‌دادم. چند کار ترجمه از زبان عربی هم دارم که در همان سال‌ها انجام دادم. کار در رسانه البته جنبه درآمد و تأمین معیشت هم داشت و همیشه مجبور بودم کاری کنم که زندگی‌ام بچرخد و در کنارش، کار تألیف و کتاب هم انجام دهم.

تأسیس انتشارات در لبنان

وقتی لبنان بودم، انتشارات مثلث (triangle) را راه‌اندازی کردم و می‌خواستم کتاب‌هایی منتشر کنم که به درد شیعیان، اهل سنت و مسیحیان بخورد. در همان موقع کتابی تدوین کردم که به ارادت مسیحیان نسبت به ائمه اطهار می‌پرداخت. انتشارات خیمه قبل از این در ایران راه افتاده بود و بعدها آقای وافی آن را به من سپرد. موضوعات کتاب‌ها در خیمه، حضرت سیدالشهدا(ع) و مناسک آیینی بود اما در ادامه به موضوعات دینی و عام‌تری رسیدیم و به همین علت مجوز نشر احیا را هم برای این گونه کتاب‌ها گرفتیم.

بالندگی نوجوانان و جوانان

در تولید محصولات فرهنگی و رسانه‌ای، مهم‌ترین ظرفیت، امکان اشتغال است و باید محیطی را فراهم کرد که منجر به کار و کسب درآمد بشود. خدا لطف کرد که ما چه در خانه روزنامه‌نگاران جوان و چه در همشهری محله و جاهای دیگر، امکان این رشد را فراهم کردیم و خیلی از چهره‌های شاخص امروز که اهل کارهای فرهنگی هستند و شناخته می‌شوند در این بسترها رشد کردند. من از استادان خودم یاد گرفته‌بودم ظرفیت، امکان بالندگی و کار نوجوانان و جوانان را فراهم کنم اما در حوزه ادبیات این ظرفیت وجود نداشت که نیروهایی را پرورش بدهیم. البته چند نفر از نویسندگان موفق و شناخته شده ادبیات دینی، کسانی هستند که در فضایی که ما فراهم کرده‌بودیم، کارشان را شروع کردند.



۶ پدرم یک چهره فرهنگی و اهل کتاب بود و مهم‌ترین آموزش‌های دینی و ادبیاتی را به من داد. اعتدال را از ایشان آموختم.



۵ معلم و مدیر دوران دبیرستانم بودند. ظرفیت‌هایی که برای تأسیس خانه روزنامه‌نگاران جوان فراهم کردند، زندگی‌ام را متحول کرد.



۴ هم شخصیت‌شان برای من درس‌آموز بود و هم در وادی قلم و در زندگی من اثرگذار بودند.

۳ استاد سیدمهدی شجاعی

۲ استاد علی‌اکبر اشعری

۱ پدرم آقای غلامعباس رائی

چرخه اقتصادی کتاب متفاوت است

قصه کتاب هم چرخه اقتصادی‌اش متفاوت است و هم شأن و منزلت کتاب با رسانه تفاوت دارد. مثلا نمی‌توانیم بگوییم در تابستان دوره نویسندگی می‌گذاریم و آخر فصل هم کتاب‌های‌تان را منتشر می‌کنیم. لااقل از این نمونه‌ها نمی‌شود دفاع کرد. اگر چنین فرصتی که در حوزه معاونت مطبوعاتی وزارت ارشاد یا در روزنامه همشهری فراهم شد، در حوزه معاونت فرهنگی وزارت ارشاد یا در یک ناشر دولتی هم فراهم می‌شد، قطعا می‌توانستیم نیروهایی را پرورش بدهیم. ما در بستر مطبوعات می‌خواستیم قلم‌ها را پرورش بدهیم. مثلا در همین روزنامه جام‌جم ستونی داشتیم که نوشته مخاطبان را منتشر می‌کردیم. شعار خانه روزنامه‌نگاران جوان هم این بود؛ «جایی که هر نوجوانی می‌تواند بنویسد» اما حوزه کتاب، الزاماتی دارد که با حوزه مطبوعات و رسانه متفاوت است.



۴ **گاف فرهنگ**
نشر آرما
سال انتشار
۱۳۹۷



۵ **سبک زندگی**
نشر آرما
سال انتشار
۱۳۹۸



۶ **تقاطع انقلاب**
نشر آرما
سال انتشار
۱۳۹۸



۷ **حجاب بی حجاب**
نشر آرما
سال انتشار ۱۳۹۸